

ممنوعه‌ها روی دیوارنگاره ولی‌عصر

نورا حسینی؛ دیوار نگاره جدید میدان ولی‌عصر باز هم حاشیه‌ساز شد. این‌بار برخلاف همیشه هم برای استفاده از تصویر زنان. اگر همیشه زنان از دیوارنگاره میدان ولی‌عصر حذف می‌شدند، این‌بار به‌تصویرکشیدن تصویر برخی از زنان بدون اجازه آنها باعث شد که کمتر از ۲۴ ساعت این تصویر تغییر کند. جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی‌عصر با شعار «زنان سرزمین من ایران» که بامداد پنجشنبه بیست‌ویکم مهرماه رونمایی شده بود، بعد از اعتراض‌هایی گسترده تغییر کرد. تصاویر چهره‌هایی مانند سیمین دانشور، پروین اعتصامی، فاطمه معتمدآریا، میرلا زارعی، پروانه کاظمی، مینو محرز، توران میرهادی، ایران درودی، مریم میرزاخانی، فروغ فرخزاد، ژاله علو و… در این دیوارنگاره دیده می‌شدند. این در حالی است که برخی از این چهره‌ها همیشه در لیست نام‌های ممنوعه قرار داشتند و حتی نام‌گذاری معبری به نام فروغ فرخزاد که مصوبه شورای شهر تهران بود، مورد پذیرش قرار نگرفت. فاطمه معتمدآریا اولین مخالف استفاده از تصویرش در این دیوارنگاره بود. او در اینستاگرام خود خواست که تصویرش را حذف کنند. مرضیه برمقد هم از مقامات خواست عکس وی را از دیوارنگاره میدان ولی‌عصر تهران بردارند. وی در اینستاگرام خود نوشت: آقایان، عکس مرا از آن دیوار بردارید. ژاله علو نیز در یادداشت کوتاهی نوشت: من در فضای مجازی نیستم و از طریق دوستان

در جریان قرار گرفتن، تاکنون در هیچ تبلیغی حضور نداشته‌ام و اجازه‌ای هم از من گرفته نشده، من خواستار حذف تصویرم از پلاکارد تبلیغاتی در میدان هستم… فرزند هما روستا هم اعلام کرده که تصویر او را در این دیوارنگاره مرتبط نمی‌داند. پروانه کاظمی، کوهنورد ایرانی فاتح اورست در واکنش به انتشار تصویرش در دیوارنگاره میدان ولی‌عصر گفت: شرم باد که فقط برای سوءاستفاده، نام و تصویر ما زنان ایران استفاده می‌شود. نفیسه مرشدزاده، نویسنده و روزنامه‌نگار هم به طرح جنجالی دیوارنگاره میدان ولی‌عصر واکنش نشان داد و نوشت: برای زنان این سرزمین این قدر ارزش فانلید که اجازه‌شان را برای استفاده از عکس پروفایل شخصی‌شان در بیلبورد‌های خیابانی لازم نمی‌دانید؟

یکی از نواده‌های بی‌بسی‌مریم بختیاری هم به استفاده از عکس وی در این بیلبورد اعتراض کرد و رفتاری که اگر بی‌بی‌اش زنده بود، در این روزها می‌کرد… . پس از این اعتراض‌ها، مدیر روابط عمومی سازمان اوج در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: ما به‌عنوان سازمان هنری رسانه‌ای اوج همواره یکپارچگی ایران عزیز را مدنظر قرار داده‌ایم. تصویر دیوارنگاره تلاش کرده برای پاسداشت مقام زن، تعداد اندکی از زنان موفق سرزمین‌مان ایران را معرفی کند، برای این روزها که همه‌جا حرف از زنان است. همه باید سعه صدر خود را

برای ایران بالا ببریم. ما در یک کشتی هستیم. چه بخوایم چه نخواهیم. نظر به اصلاح طرح فعلی دیوارنگاره، تا بازگشت مجدد این طرح، طرح جدید رونمایی می‌شود. آخرین حاشیه این دیوارنگاره مربوط به سال گذشته بود که در آن تصاویری از مردان در کنار محصولات تولید داخل بدون حضور زنان متخصص و تکنیسین و کارگر به تصویر کشیده شده بود. طراحان این دیوارنگاره بزرگ بارها زنان را در طرح‌هایشان نایده گرفته بودند. این بیلبورد بزرگ متعلق به سازمان رسانه‌ای اوج است و بارها شهردار تهران توضیح داده است که در طرح‌های منتشرشده نقشی ندارد؛ اما اعتراض‌های بی‌درپی باعث نشده بود طراحان آن باز هم زنان را نادیده نگیرند. چند سال پیش هم نصب تصویری در میدان ولی‌عصر تهران در حمایت از تیم ملی فوتبال ایران که در آن هیچ زنی حضور نداشت، با انتقاد‌های گسترده‌ای به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد. عنوان این بیلبورد «با هم قهرمانیم، یک ملت یک ضربان» و بهانه آن حضور تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بود که در آن تصویر بیلبورد مردانی با پوشش‌هایی از قومیت‌های مختلف ایران در حال شادی دیده می‌شدند. این اعتراض‌ها منجر به تغییر طرح و توجه به زنان در طراحی جدید شد. مدتی بعد طراحان بازهم تصویری با شعار «نسل روشن» منتشر کردند که زنان در آن



بدون چهره ترسیم شده بودند. موضوعی که مورد انتقاد برخی از اعضای وقت شورای شهر تهران قرار گرفت. آن زمان الهام فخاری، رئیس کمیته اجتماعی شورای پنجم شهر تهران، از حذف چهره زنان از دیوارنگاره جدید میدان ولی‌عصر انتقاد کرد و نوشت: انتظار می‌رفت حساسیت بیشتری نسبت به دیوارنگاره میدان ولی‌عصر وجود داشته باشد؛ ازاین‌رو امیدوارم

ادامه از صفحه ۸

این بار سنگین است

محمدطاها از رسیدنش به لب مرز و روزهای بعدش این‌چنین روایت می‌کند: «فرday آن روزی که بابام آمد، باید فرار کنیم. اینجا نمی‌توانیم زندگی کنیم. یک ماشین جلوی در خانه بود و ما سوار شدیم. شبانه به مرز رسیدیم. طول راه مادرم و برادرم گریه می‌کردند.

من هم خیلی ترسیده بودم. همه فکرم به دوستانم در کابل بود. خیلی ناراحت بودم، اما چاره‌ای نبود باید فرار می‌کردیم. ما هم ترسیده بودیم که دوباره طالب پدرم را دستگیر کند. به پدرم هم فکر می‌کردم که اگر طالب جلوی فرار ما را بگیرد ما بدون پدر چه کنیم. دلشوره داشتم.

با هزار بدبختی خودمان را بر مرز رساندیم، مادرم تازه باردار بود و آنجا مأموران مرزداری بلند داد زدند، بخوابید زمین. من گیج بودم که پدرم دستم را گرفت و مجبورم کرد کنار خودش بخوابم. تفنگ‌ها به سمتمان بود و من اشک می‌ریختم. برادرم از شدت ترس بلند گریه کرد. هم‌هاش فکر می‌کردم الان به سمت ما شلیک می‌کنند. بابا برادرم را بغل کرد و منم به پدرم چسبیدم.

بعد بابام گفت که ما می‌خواهیم ایران بمانیم و با پدرم حرف زدند و بعد چند ساعت که ما را گشتند به اردوگاه رفتیم. بعد از چند ساعت ما را راهی یک اردوگاه کردند. اردوگاه خیلی بزرگ بود. ما یک اتاق داشتیم. غذا هم به ما می‌دادند. بعد از چند روز توی حیاط اردوگاه با چند نفر هم سن و سال خودم رفیق شدم. روزها فوتبال بازی می‌کردیم تا اینکه بعد از چهار ماه به مشهد رفتیم». محمدطاها از اردوگاه دلش خوشی ندارد و می‌گوید: «هیچ‌جا برای من کابل و خانه خودمان نمی‌شود. آنجا مدرسه می‌رفتم. اما در اردوگاه فقط انکار باید زنده می‌ماندیم. در اردوگاه هم من و هم خانواده‌ام اذیت شدید. اجازه نداشتیم بیرون بیاییم. انکار زندان بود. ما پنج ماهی داخل اردوگاه بودیم و بعدش به مشهد آمدیم، توانستیم خانه اجاره کنیم. الان سه ماهی است که در مشهد زندگی می‌کنیم. اینجا مثل کابل نیست، هنوز دوستی ندارم. فامیل‌مان بیشتر افغانستان هستند. مدرسه هنوز ثبت‌نام نکرده چون هنوز مدرک اقامتی نگرفتیم. برای ما که تازه آمدیم سختگیری بیشتر است». محمدطاها علاقه‌ای به کار ندارد: «می‌خواهم درس بخوانم. الان اجباری نیست کار کنم. اگر پول نداشتیم خب کار می‌کنم».

افزایش کودکان کار افغان در ایران

شواهد عینی افزایش تعداد کودکان کار مهاجر را گواهی می‌دهند و وخامت اوضاع خبر می‌دهند. بهار امسال وزارت کشور، طرح سرشماری اتباع بدون مدرک را اجرا کرد. در این طرح حدود دومیلیون و ۳۰۰ هزار مهاجر بدون مدرک افغانستانی شناسایی شدند.

اما جزئیاتی درباره تعداد کودکان اعلام نشد. به اعتقاد بسیاری از فعالان حوزه کودک، تعداد کودکان افغانستانی در این یک سال گذشته بیشتر از قبل شده است. پیمان حقیقت‌طلب، مدیر پژوهش انجمن دیاران، درباره افزایش حضور کودکان افغانستانی در ایران بعد از ورود طالبان می‌گوید: «تعداد کودکان افغانستانی در ایران بیشتر شده است به این علت که گزارشاتی داشتیم که فقط همان ۵۶۰ هزار کودک افغانستانی که برکه حمایت از تحصیل داشتند در مدارس ثبت‌نام کردند و تعداد زیادی از کودکان افغانستانی که طی یک سال اخیر به ایران آمدند هنوز نتوانستند در مدارس ثبت‌نام کنند».

پیمان حقیقت‌طلب، مدیر پژوهش انجمن دیاران است و سال‌هاست در این حوزه تحقیق می‌کند. او معتقد است، از یک سو افزایش مهاجرت از افغانستان و از سوی دیگر نیاز بازار کار ایران برای مشاغل سطح پایین موجب شده که حلقه وصلی به نام افغان‌کشی به وجود آید، «افغان‌کشی به این معناست که برخی از افراد، افغانستانی‌ها را به صورت قاچاق از مرز عبور می‌دهند و به محل‌هایی که درخواست نیروی کار ارزان افغانستانی دارند، می‌رسانند. این روند در سال‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است و بیشتر کودکان افغان هم با همین شبکه به ایران می‌آیند. کودکان به عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت به عنوان کارگر در کارگاه‌های ساختمانی و زمین‌های کشاورزی، فروشگاه‌ها و مغازه‌ها مشغول می‌شوند».

به گفته حقیقت‌طلب، یک سری مشاغل هستند که برای این کودکان طراحی شده‌اند! مثل بازیافت زباله در شهر تهران که به راحتی قابل مشاهده است یا دست‌فروشی در خیابان شهرهای بزرگ. اینها شغل‌های عیان هستند. البته در این مشاغل هم اذیت می‌شوند، اذیت و آزارهایی که این کودکان می‌بینند نمی‌شود تحت عنوان برخورد ایرانی و افغانستانی و مهاجر و غیرمهاجر تبیین کرد. این اذیت و آزارها زیرمجموعه کار کودک است. وقتی در محیط‌های سخت و زمخت کودکان به کار گرفته می‌شوند؛ موجب آسیب‌های روانی و جسمانی زیادی به آنان می‌شود. به عنوان مثال کودکی که سرچرپاره‌ار کارش تمیزکردن شیشه ماشین‌هاست، ایرانی هم که باشد با هزاران چالش و برخورد مواجه می‌شود».

ایران به مدت چهار دهه، یکی از طولانی‌ترین بازه‌های زمانی در جهان، میزبان یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های پناهنده شهری بوده است. تغییر نگرش نسبت به مهاجران در جامعه ایران یکی از اهداف انجمن دیاران است و حقیقت‌طلب معتقد است هم‌زبان و هم‌فرهنگ بودن ایرانیان و افغانستانی‌ها باعث می‌شود که در سطح برخورد‌های رودرو و فردی در سطح جامعه، شاهد همدردی باشیم. برخی ایرانیان حتی نسبت به خانواده‌های افغانستانی، دغدغه بیشتری برای باسوادشدن کودکان افغانستانی دارند. او می‌گوید: «من مغازه‌دارهای زیادی را می‌شناسم که کودک افغانستانی به عنوان پادو پیش‌شان کار می‌کند و از او هم به شدت کار می‌کشند! ولی از آن طرف هم به شدت دغدغه دارند که این بچه‌ای که زیر دست‌شان است حتما باسواد شود، حاضرند ساعت کاری‌اش را کم کنند تا به مدرسه برود، البته برخورد‌های منفی هم کم نیست. به تعداد مهاجران افغانستانی در ایران می‌شود روایت خوب و بد از نحوه برخورد ایرانیان ارائه کرد. واقعیت این است که در سطح سیاست‌گذاری و قوانین اصلا میهمان‌نواز نیستیم. بعید می‌دانم هیچ کشوری را در دنیا پیدا کنید که یک جمعیت میلیونی را چند دهه در وضعیت پناهندهگی نگه دارد و با وجود ادغام اجتماعی، از نظر حقوقی جایگاهی برایشان قائل نشود».

آمارها چه می‌گویند

در حال حاضر افغانستان یکی از بزرگ‌ترین جمعیت پناهندگان در سراسر جهان را تشکیل و بر اساس آمار رسمی با بحرانی‌شدن شرایط در سال جاری حدود یک میلیون نفر وارد مرز ایران شده‌اند و جمعیت پناهندگان افغانستانی به پنج میلیون نفر رسیده است.

بر اساس گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل، حدود سه‌چهارم پناه‌جویان افغانستان در ایران و پاکستان هستند و بیش از دو میلیون پناهنده در این دو کشور ثبت‌نام کرده‌اند. اما طبق آخرین آمار اعلام‌شده از سوی ایران، ۸۰۰ هزار پناهنده در ایران زندگی می‌کنند که ۷۸۰ هزار نفر از آنها افغانستانی و ۲۰۰ هزار نفر عراقی هستند. علاوه بر این، تخمین زده می‌شود که حدود ۲.۱ میلیون افغانستانی فاقد مدرک هستند و نزدیک به ۶۰۰ هزار دارنده گذرنامه افغانستان در ایران زندگی می‌کنند.

دو جلسه از زمانی که اساننامه این سازمان در صحن در حال بررسی است گذشته و تنها سه بند را مصوب کردیم و نگران هستیم که کلی و قابل تفسیر باشد که برخی از اعضا هم به آن اشاره کردند.

از طرفی این سازمان برای شهرداری هم بسیار مهم است و شهردار تهران خود از تک‌تک بندها دفاع کردند. حالا که ایجاد سازمان جدید رای آورده، تلاشمان این است که آسیبی به مأموریت‌های سازمان فناوری اطلاعات وارد نشود و برای همین نیز بندی را مصوب کردیم که سازمان جدید به‌هیچ‌عنوان حق ندارد وارد فعالیت‌هایی شود که به اساسنامه سازمان فناوری و اطلاعات شهرداری ارتباط پیدا می‌کند.

همچنین این سازمان در محدوده تهران و در محدوده مدیریت شهری فعالیت کند. به نظر می‌آید تلاش این است که سازمان را از حالت مدیریت شهری خارج و حتی آن را به زیست‌بوم فناوری کل کشور وصل کنند که ما با این مخالف هستیم. معتقدیم آنچه در معاونت فناوری ریاست‌جمهوری اتفاق می‌افتد این سازمان آن نقش را در شهرداری تهران ایفا کند، اما این اساسنامه موافق و مخالف دارد و برخی از بندها با اختلاف یک رای مصوب می‌شود. امانی درخصوص اینکه قرار بود این سازمان ساختار کوچکی داشته باشد که به نظر نمی‌آید این‌گونه باشد هم توضیح می‌دهد: وقتی وظایف و مأموریت‌های این سازمان در اساسنامه را می‌بینیم مشخص است که وزنه سنگینی را بر عهده این سازمان می‌گذارند که در لایحه اولیه خیلی سنگین‌تر هم دیده شده بود و ما در شورا آن را جمع و خلاصه کردیم.

در جلسات شورای شهر تهران تلاش زیادی شد که کارکردهای این دو سازمان تداخلی نداشته باشند، با وجود نزدیکی عملکرد این دو سازمان چرا شورای شهر حاضر به پذیرش ایجاد یک سازمان جدید شده است؟

سید جعفر تشکری‌هاشمی رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران در پاسخ به این پرسش به مخالفت‌هایی که در زمان تصویب این سازمان جدید شده بود اشاره می‌کند و به «شرق» می‌گوید: اگر به مذاکراتی که در جریان تصویب کلیات این سازمان انجام شده رجوع کنید. ما در آن زمان به صراحت گفتیم که بدون ایجاد تشکیلات جدید هم می‌توانیم به انتظارات جدید هم در همین ساختار موجود جواب دهیم اما به هر شکل ۲۱ عضو دارد و اکثریت به این جمع‌بندی رسیده‌اند که به سازمان جدید رای بدهند. هرچند ما گفتیم این سازمان جدید مداخله در کار سایر سازمان‌های شهرداری است و دوباره‌کاری و هم‌پوشانی‌های بسیار زیاد و ابهامات زیادی هم وجود دارد اما با وجود همه انتقاده‌ها که چیزی مصوب کنیم که گره‌ای از گره‌های زندگی مردم را باز کند و معتقد بودیم این مصوبه مشکلات زیادی در درون شهرداری ایجاد می‌کند اما به هر شکل ایجاد این سازمان رای آورد.

آن زمان شهردار تهران در دفاع از ایجاد سازمان جدید گفته بود قرار نیست خیلی عریض و طولیل شود و گستردگی و جذب آن چنانی نیرو داشته باشد و تنها یک هدایتگر و تسهیلگر است. تشکری‌هاشمی درخصوص تحقق این وعده شهردار با توجه به اساسنامه‌ای که در حال بررسی است می‌گوید: معتقدم که این سازمان بسیار فریه دیده شده و لباس بسیار گشادی برای یک سازمان است و تنوع مسئولیتی زیادی دارد و در جلساتی که بحث شده تنها سه ماده مصوب شده که اصلاحات نسبتا خوبی هم روی آنها انجام شد اما احتمال و موازی‌کاری‌ها و دوباره‌کاری‌ها، تداخل وظایف و ضعیف و رقیق شدن سایر واحدها در انجام وظایفشان وجود دارد که حتما در این میان شهرداری زیان خواهد کرد.

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران معتقد است که بندها به گونه‌ای تصویب شود که برای یک شهر هوشمند تسهیلگر باشند، تداخل با وظایف باقی واحدها به وجود نیاورند و باعث تضعیف مأموریت واحدهای دیگر شهرداری نشوند و تشکیلات عریض و طولیل دیگری ایجاد نشود و جذب نیروی جدید و گستردگی که مغایر با کوچک‌سازی شهرداری باشد، اتفاق نیفتد و در آخر انتظار داریم بعد از آنکه اساسنامه این سازمان را به تصویب رساندیم بتوانیم مسائل عمده شهرداری را با آن حل‌وفصل کنیم و در دومینوی قرار بگیریم که بعد از تصویب کلیات و بندهای اساسنامه حالا دنبال ساختار و جذب نیرو و بودجه و… باشیم و دومینووار ما را به دنبال خود بکشند.



عضو شورای شهر

مخالفت‌ها با اساسنامه سازمان جدید شهرداری ادامه دارد

اصرار بر موازی‌کاری

تنها سازمانی است که دو سازمان مشابه با وظایف مشابه و بعدا با وظایف متقاطع خواهد داشت.

مشخص نبود با ابهامات زیادی که درخصوص ایجاد این سازمان وجود داشت چرا شهردار تهران این‌گونه اصرار به ایجاد سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری‌های شهری می‌کرد، انتقادهایی که همچنان در جریان تصویب اساسنامه این سازمان هم به چشم می‌آید و تکرار می‌شود. از زمانی که بررسی این اساسنامه در دستور کار شورای شهر تهران قرار گرفته دو جلسه می‌گذرد و تنها سه بند آن با تغییرات به تصویب رسیده که نشان می‌دهد همچنان ابهامات مطرح‌شده از روزهای ابتدایی وجود دارد. شهردار تهران در جریان دفاع از اساسنامه باز هم خود به صحن شورا آمد و از اساسنامه پیشنهادی حمایت کرد.

ناصر امانی عضو شورای شهر تهران در این خصوص به «شرق» می‌گوید: ما از ابتدا مخالف این سازمان بودیم و به ایجاد آن رای ندادیم و تاکید داشتیم که این سازمان ضرورتی ندارد، اما در صحن شورای شهر ایجاد این سازمان رای آورد و قرار بر این شد که اساسنامه‌اش را به شورا بیاورد که پس از کش‌وقوس‌های فراوان و بعد از چند ماه رفت و برگشت میان شهرداری و کمیسیون‌های داخلی شورا این اساسنامه در دستور کار قرار گرفته، تلاش ما این است که اساسنامه‌ای که مصوب می‌شود شفاف باشد و جملات کلی و قابل تفسیر در اساسنامه نیاید.

به گفته این عضو شورای شهر تهران، یکی از نگرانی‌های جدی حفظ و بالندگی سازمان فناوری اطلاعات شهرداری تهران است که قدمتی تاریخی دارد و خدمات زیادی در همه دوره‌ها به شهرداری تهران کرده است. او ادامه می‌دهد: یکی از نگرانی‌های ما این است که با تأسیس سازمان فناوری‌های نوین نکند سازمان فناوری که کار اصلی آمار و اطلاعات و هم توسعه زیرساخت‌ها و تأمین سخت‌افزار شهرداری بر عهده او بوده و نرم‌افزارهایی که ایجاد کرده و بسیاری از فعالیت‌های شهرداری بر بستر همان نرم‌افزارها سوار است، تضعیف شود و ما آنچه را داریم از دست بدهیم.

نورا حسینی؛ یکی از نخستین لایحه‌هایی که شهرداری تهران به شورای شهر ارائه کرد. لایحه «اصلاح ساختار معاونت برنامه‌ریزی، توسعه سرمایه انسانی و امور شورای شهرداری تهران» بود. لایحه‌ای که مدت‌ها برای طرح در صحن شورای شهر انتظار کشید و در پایان سال گذشته تمامی این لایحه به جز یک بند به تصویب رسید.

در بند «د» این لایحه شهرداری درخواست ایجاد یک سازمان جدید در شهرداری را که زیر نظر مستقیم شهردار فعالیت کند ارائه کرده بود؛ سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری‌های شهری که برخی از اعضای شورای شهر با ایجاد آن مخالف بودند و معتقد بودند مواز موازی‌کاری‌های زیادی در شهرداری می‌شود.

برسب این بند بخش زیادی از زمان نخستین جلسه شورای شهر تهران در سال ۱۴۰۱ را به خود اختصاص داد و در نهایت شهردار خود برای دفاع از ایجاد این سازمان به صحن آمد. او ۴۵ دقیقه از طرح دفاع کرد. اما دفاعیات او در صحن به نتیجه نرسید. زمانی که مشخص شد رای‌گیری به جواب مثبت شورای شهر ختم نمی‌شود و هنوز ابهامات شورای شهر در این رابطه باقی است، قرار شد در جلسه‌ای هم‌اندیشی دوباره بررسی‌ها ادامه پیدا کند.

مشخص نیست در این جلسه چه پرسش‌هایی مطرح و چه پاسخ‌هایی شنیده شده که سرانجام شهردار تهران توانست مجوز ایجاد این سازمان را با رای ناپلئونی از شورا بگیرد. مخالفان ایجاد این سازمان جدید در شهرداری معتقد بودند که در تمام معاونت‌ها وظیفه فناوری نو در حال انجام است و این‌گونه تمام وظایف معاونت‌ها دچار اختلال می‌شود؛ به گفته آنها در این سال‌ها در اجرای بسیاری از طرح‌ها و اقدامات بر اساس فناوری‌ها و نوآوری‌ها عمل شده و اگر بخوایم این وظایف را از معاونت‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها بگیریم به‌هم‌ریختگی و آشفتگی را در شهرداری تهران شاهد خواهیم بود.

یکی دیگر از دلایل مخالفت با ایجاد این سازمان فریه‌ترشدن شهرداری تهران بود. به گفته اعضای مخالف، شهرداری تهران